



آیت‌الله جوادی آملی: علم بی‌فایده برای آخرت زائد و دورریختنی است

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به تحولات مختلف انسان در دوران حیات، این تحولات را برای زندگی عاقلانه و مرگ عاقلانه دانست و با اشاره به این که عقل مطلوب همان عقل عملی است، علم بی‌فایده برای آخرت را زائد و دورریختنی خواند.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به تحولات مختلف انسان در دوران حیات، این تحولات را برای زندگی عاقلانه و مرگ عاقلانه دانست و با اشاره به این که عقل مطلوب همان عقل عملی است، علم بی‌فایده برای آخرت را زائد و دورریختنی خواند. حضرت آیت‌الله عبدالله جوادی آملی امروز در درس خارج تفسیر خود در ادامه تفسیر سوره مبارکه غافر با اشاره به آیه «لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ 64»، ابراز کرد: قرآن کریم کتاب علم و حکمت است، اما یک فرهنگ محاوره هم وجود دارد، بر اساس محاوره می‌گویند آسمان را بنا کرد در حالی که بنایی وجود ندارد، یا در فرهنگ محاوره می‌گویند هنگامی که آفتاب طلوع کرد یا آفتاب غروب کرد.

وی خاطرنشان کرد: فرهنگ محاوره بر اساس تجربه حسی است اما فرهنگ استدلال و عقل سر جای خودش محفوظ است، اگر قرآن کریم می‌فرماید خورشید طلوع می‌کند معنایش این نیست که زمین حرکت نمی‌کند و خورشید حرکت می‌کند، این فرهنگ محاوره است.

مؤلف کتاب مفاتیح‌الحیات اظهار کرد: مانند این که محققان که حرف می‌زنند در فرهنگ محاوره می‌گویند هنگامی که آفتاب طلوع کرد یا آفتاب غروب کرد، یا آن جا که مشرق و مغرب ارض را بیان می‌کند، آن جا معیار قرآن و علمی بودن قرآن است نه جایی که می‌فرماید هنگامی که خورشید طلوع کرد.

وی خاطرنشان کرد: خدای سبحان گاه اوصافی را به غیر خود نسبت می‌دهد اما در آیه دیگر جمع‌بندی می‌کند و می‌گوید همه این‌ها از آن خداوند است، در جریان عزت و در جریان قوت و رزق و حاکم بودن این چنین است.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی افزود: در جریان عزت فرمود که عزت از آن خداوند و رسولش و مؤمنان است اما در جای دیگر فرمود همه عزت‌ها از آن خداوند است، در جریان رزق فرمود خداوند «خیر الرازقین» است، یعنی افراد دیگری هم هستند که رازق باشند اما رزق بالقول المطلق در دست خداوند است.

وی با اشاره به این که اگر حیات به غیر خداوند اسناد داده می‌شود، مانند حضرت عیسی (ع) اظهار کرد: تنها زنده بالذات اوست «هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ 65»، او حی است، این حصر است، این آیات قرآن است که بر اساس توحید بنیان گذاشته شده است.

مفسر برجسته قرآن کریم بیان کرد: هیچ وصفی را خداوند به غیر اسناد نمی‌دهد مگر این که در جای دیگر بالقول المطلق آن را به خود اسناد می‌دهد، زیرا آن وصف تابع ذات واجب است و به همین دلیل از آن نشأت می‌گیرد، در جریان حکم هم یک جا فرمود «هو خیر الحاکمین» اما در جای دیگر حاکم بودن را تنها به خودش اسناد داد.

وی با اشاره به این که آیات سوره مبارکه زمر پیوسته درباره اخلاص و عدم شرک به خداوند بود، اظهار کرد: در آیه محل بحث نیز به اخلاص تأکید می‌کند، اگر کسی مضطر شود و خدا را بخواند در واقع به مرحله اخلاص می‌رسد، چنین انسانی اگر مشرک باشد اما اگر مضطر باشد و خداوند را از روی اخلاص بخواند دعایش مستجاب می‌شود.

اقتدار نهایی از آن خداوند است

حضرت آیت‌الله جوادی آملی ادامه داد: کسی خداوند است که فرد مضطر را هنگامی که او را می‌خواند در عمق اقیانوس و کسی از آن خبر ندارد و بر فرض هم که خبر داشته باشد وسیله نجات او را ندارد، خداوند است، به همین دلیل یأس از رحمت خداوند کفر است به این دلیل که قدرت نامتناهی خداوند هر کاری را می‌تواند انجام دهد.

وی با اشاره به این که خداوند توصیه کرده است که من را بخوانید تا شما را عبادت کنم، گفت: دعا نیز عبادت است، اما ستون اصلی دین همان نماز است، خیمه را یک ستون بزرگ نگاه می‌دارد و در حواشی و اطراف ستون‌های کوچک‌تری قرار دارد.

مؤلف کتاب مفاتیح‌الحیات اظهار کرد: اگر کسی تشنه بود و از آب لوله استفاده کرد نباید از لوله تشکر کند، بلکه باید از آب تشکر کند، در

این بخش‌ها هم فرمود که خداوند کسی است که دعای مضطر را مستجاب می‌کند و اگر کسی واقعا الله را بخواند نجات می‌یابد.

وی با اشاره به این که خداوند تنها ذاتی است که زنده است و بنابراین باید او را خواند، ابراز کرد: آثار حیات خداوند در دیگران ظهور کرده است، «هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ»، انسان اگر می‌خواهد به دامن مقتدری دست بزند باید بداند که آن اقتدار و حیات نیز از آن خداوند است.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی گفت: در حدیث است که اگر کسی بگوید اول خداوند و دوم طیب یا دوم فلان شخص یا بگوید اگر فلانی نبود من هلاک می‌شدم این جزو شرک است، برای همین خداوند در سوره یوسف (ع) فرمود «و ما یؤمن اکثرهم بالله إلا و هم مشرکون».

نهی شرک با برهان

وی با قرائت آیه «قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أُعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِلَرْبِ الْعَالَمِينَ 66»، گفت: به پیامبر (ص) می‌فرماید بگو خداوند نهی کرده است از این که مشرکانه زندگی کنم و غیرخداوند را بخوانم، باید دانست که الهام خیر و شر در فطرت یک نهی الهی است و یک وقت هم برهان اقامه می‌کند و آن هم نهی الهی است.

مفسر برجسته قرآن کریم افزود: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید وجود مبارک خداوند به من با دادن بینات و با برهان عقلی من را از شرک نهی کرد، اگر دلیلی اقامه شد که توحید حق است و شرک باطل است این برهان نهی از شرک می‌کند، فرموده حضرت این است که بینات الهی آمد و این بینات من را از شرک نهی کرد.

وی خاطرنشان کرد: آنان می‌گفتند که آلهه ما را بپذیر یا می‌گفتند که آلهه ما را بپذیر تا ما هم خدای واحد تو را بپذیریم، پیامبر (ص) می‌گوید من با بینه آمدم و این طور نیست که من تعبدی این کار را انجام دهم و برای این کار هیچ دلیل و بینه‌ای نیاورم، نهی و امر تعبدی در کار نیست.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی با بیان این که برخی از آیات خداوند روشن و برخی از آیات خداوند تاریک است اما آن کس که اهل آیه‌شناسی است همه را روشن می‌بیند، افزود: چیزی در عالم نیست مگر این که آیه‌ای از خداوند است، سایه و نور آیت‌الله هستند، خیلی از اوقات نماز را منجمان با ظلال و سایه حل می‌کنند، ریاضی یک علم توان‌فرسای دقیق است.

وی با اشاره به آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشْدَّكُمْ ثُمَّ لِيَتَوَفَّيْكُمْ مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ 67»، گفت: این دست آیات درباره فرد و جمع آمده است، درباره فرد به این دلیل است که اصل هر فردی آدم (ع) که تراب است و دیگر این که در محیط داخلی بدن هم همان تراب است که اصل آن نطفه بوده و پیش از آن هم خاک بوده است.

مؤلف کتاب مفاتیح‌الحیات اظهار کرد: فرمود تراب ذلول است، نرم و خشن نیست، ارض ذلیل نیست که شما روزی‌تان را از این زمین نرم بگیرید، فرمود زمین و تراب ذلول است، همه شما آنان که سالمند هستند و آنان که غیرسالمند هستند مراحل یکسانی را پشت سر گذاشتید یک قوس صعود و یک قوس نزول دارید.

قوس نزول هر فرد از چهل سالگی آغاز می‌شود

وی گفت: تا چهل سالگی قول صعود است و افراد می‌گویند و می‌خندند و خوش می‌پوشد اما از چهل سال به بعد قوس نزول شروع می‌شود، به دارو و درمان و بیماری می‌افتد تا به مرگ می‌رسد، این ویژه همه افراد است، برخی خیال می‌کنند همیشه در قوس صعود هستند.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی خاطرنشان کرد: هر انسانی رشدش تا چهل است، از چهل به بعد قوس نزول شروع می‌شود، اما رشد علمی انسان تا پایان مرگ است به این شرط که هر روزنامه و هر سریالی و هر حرفی را نبینید، این دوران می‌گذرد تا انسان به شیوخ تبدیل می‌شوید، برخی به این سن که می‌رسند می‌گویند هر آن چه خوانده‌ام از یاد من برفت.

وی ابراز کرد: همه تحولات انسان برای این است که عاقلانه زندگی کنید و عاقلانه سفر کنید، یعنی بهشت را کسب کنید و خداوند را عبادت کنید، این عقلی که مطلوب است، همان عقل عملی است، آن که با دست پر سفر می‌کند عاقل است اما برخی آن قدر به دنبال علم می‌روند که به درد مسافرت نمی‌خورد، انسانی که مسافرت می‌کند چیزهای زائد را همراه نمی‌برد.